

The Nature of Islamic Spirituality Following an Educational Approach

Gholamhossein Rezayat ¹ | Ahmad Gholam Ali ² | Fatemeha Rezayat ³

Research Paper

Received:
11 April 2021
Accepted:
16 November 2021
P.P: 239-278

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



Abstract

The purpose of this study is to explain the nature of spirituality from the perspective of Islam. Therefore, the present study is a developmental research in terms of purpose and a qualitative research in terms of epistemology, which was done using a descriptive-analytical method. The method of data analysis in this research is progressive conceptual analysis. For this purpose, first the concept of spirituality, then the approaches (currents of thought) related to spirituality have been studied analytically to analyze and evaluate these approaches to deduce the concept of spirituality and discover its essence, namely the nature of spirituality, characteristics of spiritual man, and dimensions of spirituality. Religion From the Islamic point of view, we get a relatively comprehensive understanding of spirituality. The results and findings of this study showed that spirituality is a spiritual quality (state) that is due to man's relationship with the world of meaning and obligatory existence (God Almighty) through worship and servitude to God Almighty and based on epistemological principles and rules of Islam as well as Islamic moral values for Achieving the highest level is formed by nearness to God, a sound heart, and a good life. From this point of view, spiritual man has characteristics including feeling of poverty and need for God, belief in the existence and oneness of God, belief in the unseen world, belief in resurrection, belief in purposefulness of creation, belief in human free will, self-knowledge, knowledge of religion and practical commitment. It is to them and knowledge of moral values and practical commitment to them. Also, Islamic spirituality has four dimensions including the epistemological, emotional, voluntary, and the action dimensions.

Keywords: Nature, Spirituality, Islamic, Educational Approach.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.10.5

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Islamic Education, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Gh_rezayat@yahoo.com
2. Assistant Professor, Faculty of Quran and Hadith, Qom, Iran.
3. Ph.D. Candidate, Department of Nahjol -Balagheh, Quran University and Hadith of Qom.



ماهیت معنویت اسلامی با رویکرد تربیتی

غلامحسین رضایت^۱ | احمد غلامعلی^۲ | فاطمه رضایت^۳

چکیده

هدف این پژوهش تبیین ماهیت معنویت از دیدگاه اسلام است لذا پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای و از نظر معرفت‌شناسی پژوهشی کیفی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل مفهومی پیش‌رونده است. برای این منظور ابتدا مفهوم معنویت، سپس رویکردها (جریان‌های فکری) مرتبط با معنویت به شیوه تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته تا از طریق تحلیل و ارزیابی این رویکردها به سمت استنباط مفهوم معنویت و کشف جوهره اصلی آن یعنی ماهیت معنویت، ویژگی‌های انسان معنوی، و ابعاد معنویت دینی از نگاه اسلام، درک نسبتاً جامعی از معنویت دست‌یابیم. نتایج و یافته‌های این پژوهش نشان داد که معنویت دینی کیفیت (حالتی) روحانی است که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و واجب‌الوجود (خدای متعال) از مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال و بر مبنای مبانی معرفت‌شناختی و احکام اسلام همچنین ارزش‌های اخلاق اسلامی برای دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد. از این دیدگاه انسان معنوی دارای ویژگی‌هایی شامل احساس فقر و نیاز به خداوند، اعتقاد به وجود و یگانگی خدا، اعتقاد به عالم غیب، اعتقاد به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، اعتقاد به اختیار انسان، خودشناسی، معرفت به احکام دین و التزام عملی به آن‌ها و معرفت به ارزش‌های اخلاقی و التزام عملی به آن‌ها است همچنین معنویت اسلامی دارای چهار بعد شامل بعد معرفتی، عاطفی، ارادی و کثی است.

کلیدواژه‌ها: ماهیت؛ معنویت؛ اسلامی؛ رویکرد تربیتی.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران.

Gh_rezayat@yahoo.com

۲. استادیار، دانشگاه قرآن و حدیث قم.

۳. دانشجوی دکتری نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث قم.

مقدمه و بیان مسئله

معنویت گمشده بشر امروزی است، صاحب‌نظران مانند (شهید مطهری، ۱۳۸۷ و مصباح، ۱۳۸۹) معتقدند، بزرگ‌ترین بحرانی که جوامع بشری، مخصوصاً جوامع صنعتی پیشرفته با آن دست به‌گریباند، بحران معنویت است. پوچ‌گرایی و فقدان معنویت ریشه همه آلام، رنج‌ها و سرچشمه همه کج‌روی‌های فردی و اجتماعی بشر امروزی است. شهید مطهری (۱۳۸۷) در همین زمینه می‌نویسد: در عصر ما یک جنایت بزرگ که به‌صورت فلسفه و سیستم‌های فلسفی مطرح شده، این است که اساساً درباره انسان، شخصیت انسانی و شرافت معنوی انسان، هیچ بحث نمی‌کنند و حقیقت «وَنَفَحَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي» فراموش شده است (ص ۳۷).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر تعاریف متعددی برای معنویت ارائه شده که اجماعی در مورد آن‌ها وجود ندارد و هر یک از تعاریف ارائه شده از زاویه خاصی به این مقوله پرداخته و ابعاد متفاوتی از آن را بیان نموده‌اند. وجود تعاریف متعدد درباره مفهوم «معنویت» ناشی از دو عامل مختلف شامل وجود تفاوت در جهان‌بینی، مبانی فلسفی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای متفاوت حاکم در بین اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه همچنین کاربرد وسیع و گسترده این واژه در حوزه‌های مختلف فلسفه، انسان‌شناسی، الهیات، عرفان (تصوف) اخلاق، علوم تربیتی، فراروان‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌درمانی، مردم‌شناسی، مطالعات فرهنگی و پزشکی است. بررسی سابقه و تاریخچه به کارگیری واژه معنویت نشان می‌دهد، اگرچه این واژه و مشتقات آن در منابع اصیل اسلامی (مانند قرآن و سنت) به کار نرفته، ولی در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی رواج یافته است. در مقابل اصطلاح معنویت در غرب برای اولین بار در نیمه اول قرن پنجم میلادی بکار رفته و مفهوم آن با فراز و نشیب زیادی همراه شده است (جونز، ۱۹۹۷). در قرون اخیر توجه به معنویت در غرب کاهش قابل توجهی یافته است اما از اواخر قرن بیستم میلادی مجدداً گرایش به معنویت در بین محققان جوامع مختلف به‌طور روزافزونی گسترش یافت، به گونه‌ای که از عصر حاضر با نام عصر بازگشت به معنویت یاد می‌شود (غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۶). این گرایش در عصری که دنیای غرب، تصمیم به تبدیل تمام ارزش‌های اخلاقی و تقلیل همه عناصر معنوی و متافیزیکی، به حقایق مادی گرفته و موجب بروز بحران‌ها و چالش‌های جدی

برای زندگی بشر شده بود، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد لذا بشر امروز عواقب بی‌توجهی به معنویت را به‌درستی درک کرده و به نیاز واقعی خود به معنویت پی برده است. محمدی (۱۳۹۰) عوامل گرایش به معنویت در دهه‌های اخیر را شامل مواردی از قبیل «ناتوانی نظام‌های اجتماعی غربی در پاسخگویی به نیازهای غیرمادی و معنوی انسان‌ها» «افزایش میزان اضطراب و احساس خلأ و پوچی ناشی از زندگی بدون معنویت» «بن‌بست مکاتب فلسفی پس از رنسانس در پاسخ به پرسش‌های بنیادین انسان» «آشکار شدن نقایص و آثار منفی علم سکولار» و «ناکامی علوم تجربی در حل مشکلات مادی و معنوی بشر» برمی‌شمارد. با توجه به توضیحات فوق و برای پر کردن خلأ معنوی به‌وجودآمده در دنیای امروز، اهتمام و پرداختن به معنویت اسلامی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

در مقابل دیدگاه غربی‌ها که حدود انسان را در حد ماده و حس محصور نموده و هدفی جز ارضای غرایز نفسانی برای او باقی نگذاشته‌اند، صاحب‌نظران و اندیشمندان مسلمان معتقدند که معنویت در اسلام بر اساس اصالت دادن به عالم معنا و اعتقاد به عالم غیب شکل می‌گیرد و مقصد و منظور نهایی ادیان الهی، تکامل روحی و تعالی معنوی انسان است. در همین زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: خلقت ما برای تعالی معنوی و تعالی روحی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷ مهر ۱۳۸۴). همچنین حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۸۵) معتقدند که گوهر معنویت اسلامی با توحید پیوند خورده است؛ و در این زمینه می‌فرمایند: اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است (ج ۸، ص ۴۳۴). لذا در اسلام معنویت از ارزش والایی برخوردار بوده و پایه و اساس بندگی انسان و ارتباطش با معبود و آفریننده‌اش را شکل می‌دهد.

با توجه به توضیحات فوق، هدف این پژوهش، تبیین ماهیت معنویت اسلامی مبتنی بر آیات قرآن، روایات و دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان مسلمان با رویکرد تربیتی است.

مبانی نظری

رابطه دین و معنویت

کیانی، مهر محمدی، صادق زاده قمصری، نوذری و باقری (۱۳۹۴) می‌نویسند: رابطه «دین» با «معنویت» مهم‌ترین عامل به‌وجود آمدن دیدگاه‌های متفاوت در رابطه با تعریف و تبیین معنویت است. مطالعات انجام‌شده، نشان می‌دهد دو دیدگاه عمده درباره رابطه دین و معنویت وجود دارد (فیشر، ۲۰۱۱).

طرفداران دیدگاه اول به وجود رابطه بین دین و معنویت معتقدند، اما این رابطه را در قالب سه گروه مختلف مطرح می‌کنند. گروهی معنویت و دین را یکی دانسته و اصلاً بین آن‌ها تفاوتی قائل نیستند، گروه دوم، معنویت را ذیل دین تعریف کرده و معتقدند، دین اعم از معنویت و حوزه و قلمرو آن گسترده‌تر از معنویت است و معنویت، ماهیت و شکل خود را از جنبه‌های گوناگون دین اخذ می‌کند. اما گروه سوم برعکس معنویت را اعم از دین، و دین را یک بعد از معنویت دانسته و قلمرو آن را فراتر از دین می‌انگارند.

طرفداران دیدگاه دوم، قائل به جدایی بین دین و معنویت هستند. در این دیدگاه نیز این رابطه در قالب دو گروه مختلف مطرح می‌شود. گروه اول معتقدند: دین می‌تواند، در معنویت نقش داشته باشد، اما الزامی برای آن وجود ندارد. اما برخی دیگر از طرفداران این دیدگاه، معنویت را در سطح محسوسات و ظواهر آن خلاصه نموده و هیچ رابطه‌ای بین این دو مقوله متصور نیستند.

رویکردهای مرتبط با معنویت

بر اساس دیدگاه‌های فوق در تعریف و تبیین معنویت به رویکردهای مختلفی برمی‌خوریم که هر یک از آن‌ها از زاویه خاصی به این موضوع پرداخته‌اند. در تحقیقات مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای این رویکردها ارائه شده است. که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. پسوت (۲۰۰۹) معنویت را به دو دسته دینی و انسان‌گرایانه^۱ تقسیم می‌نماید، معنویت انسان‌گرایانه فارغ از دین است و بر مبنای انسان‌شناسی وجودگرا^۲ پایه‌گذاری شده و بر اهمیت درک و بیان اشخاص از تجربه معنوی تأکید دارد. خسرو پناه (۶ آذر ۱۳۹۳) معنویت را به دودسته دینی و

1. Humanistic
2. Existentialism

سکولار تقسیم می‌نماید همچنین مظاهری سیف (۳ دی ۹۶) در این زمینه می‌نویسد: طیف تعاریف معنویت به گونه‌ای است که در یک سو معنویت را مترادف مذهب دانسته‌اند و در سوی دیگر معنویت در مقابل دین نشانده‌اند.

در این پژوهش، ما رویکردهای موجود در مورد معنویت را به دودسته «دینی» و «برون دینی» طبقه‌بندی خواهیم نمود. در رویکرد دینی، معنویت در محدوده دین تعریف شده و ماهیت و شکل خود را از جنبه‌های گوناگون دین اخذ می‌کند، در این رویکرد انسان معنوی به کسی اطلاق می‌شود که دین‌دار بوده و معنویت او مبتنی بر دین باشد. دونا هو^۱ (۱۹۹۸) در همین زمینه، معتقد است: هیچ معنویت راستینی جدا از دین وجود ندارد. اما در رویکرد برون دینی، ماهیت و شاکله معنویت بر پایه سه عنصر اساسی عدم ارتباط بین دین و معنویت، عدم اعتقاد به خدای یگانه و عدم اعتقاد به عالم غیب و قیامت استوار است. در این رویکرد فرد می‌تواند، یک انسان معنوی باشد، بدون آن که دین‌دار باشد. طرفداران این رویکرد، به جای تکیه بر مفاهیم دینی بیش‌تر بر احساسات ملموسی چون امید، آرامش و نشاط تأکید می‌کنند.

الف) رویکرد دینی

در این رویکرد، دین اعم از معنویت، و حوزه و قلمرو آن گسترده‌تر است. از دیدگاه ادیان الهی از جمله اسلام، معنویت بر مبنای اعتقاد به عالم غیب و جهان ماوراء و اصالت را به عالم باطن دادن شکل گرفته و خداوند متعال به عنوان منبع و سرچشمه وجود و همه کمالات معرفی و قرب الهی هدف اصلی آفرینش انسان شمرده شده است. در این رویکرد معنویت دارای مبانی و اصولی از جمله اصالت روح، اصالت فطرت، اصالت عالم غیب، عقلانیت و عبودیت استوار بوده و در بردارنده کارکردهایی در ساحت‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است. علامه طباطبایی (۱۳۸۷) اساس حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنی می‌داند؛ عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به عنوان واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است (ص ۶۳). خسرو پناه (۱۳۹۲) معتقد است: معنویت دینی به دنبال ساختن انسان است و رسیدن به قرب الهی و دستیابی به نفس مطمئنه مهم‌ترین دغدغه این نوع معنویت است.

1. Donahue

ب) رویکردهای برون‌دینی

طرفداران این دیدگاه قائل به جدایی بین دین و معنویت بوده و معنویت را در سطح محسوسات و ظواهر آن خلاصه نموده‌اند. رویکردهای مرتبط با این دیدگاه شامل رویکردهای روان‌شناختی (میت‌روف و دنتون^۱، ۱۹۹۹؛ کاوانا^۲، ۱۹۹۹؛ و مگنایت^۳، ۱۹۸۴) جامعه‌شناختی (فلانگان و ژوپ^۴) فرادینی (کاله^۵، ۲۰۰۴) عرفانی / رازگونه (وین^۶، ۲۰۰۱؛ سمپل^۷، ۲۰۰۸؛ شاو^۸، ۲۰۱۱؛ موند^۹، ۲۰۱۸) غیردینی / سکولار (میلز^{۱۰}، ۲۰۱۶؛ کینگ^{۱۱}، ۱۳۸۳؛ مور^{۱۲}، ۲۰۱۴؛ شارپ^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ پلتونن^{۱۴}، ۲۰۱۷؛ والش^{۱۵}، ۲۰۱۵) است که در ادامه توضیح مختصری در خصوص هر یک از آن‌ها ارائه خواهد شد:

رویکرد روان‌شناختی

در رویکرد روان‌شناختی، معنویت آن چیزی است که باعث ایجاد انگیزه، انرژی و تأثیرگذاری بر زندگی فرد می‌شود. لذا طرفداران این رویکرد، معنویت را نیرویی روح‌بخش و برانگیزاننده معرفی می‌کنند که الهام‌بخش فرد، به‌سوی فرجامی معین یا هدفی به‌سوی ورای فردیت^{۱۶} است. در این رویکرد، معنویت به‌عنوان انگیزه‌ها و خواسته‌های درونی فرد مطرح شده و به‌جای خدا بر خود فرد تمرکز می‌شود. این دسته از متفکران وقتی از معنویت سخن می‌گویند، تنها چیزی که از آن فهم می‌کنند، احساسات ملموسی چون امید، آرامش و نشاط است. به همین دلیل توصیه آنان برای دستیابی به معنویت آن است که فرد به فعالیت‌های هنری، ورزش، فنون تمدد اعصاب و تمرکز پردازد. این افراد اگر سخنی هم از دین به میان می‌آورند، صرفاً به دین، به‌عنوان

1. Mitroff and Denton
2. Cavanagh, G
3. Mc Knight
4. Flanagan and Jupp
5. Kale H
6. Wayne
7. Sample
8. Shaw
9. Mund
10. Mills
11. King
12. Moore
13. Sharp
14. Peltonen
15. Wallach
16. transpersonal

ابزاری برای آرامش می‌نگرند. مشکل رویکرد روان‌شناختی آن است که از پرداختن به اصل مسئله و ریشه معنویت عاجز است، و از پاسخگویی به عطش انسان برای معنابخشی حقیقی، به زندگی ناتوان است.

رویکرد جامعه‌شناختی

در این رویکرد معنویت به‌عنوان تلاش‌های فردی و گروهی برای یافتن معنای وجود، در درون یا فراتر از دین تعریف می‌شود. همچنین در این رویکرد معنویت، به‌عنوان آداب و رسوم معنوی گروه‌های اجتماعی و اخلاق اجتماعی در روابط شخصی توصیف می‌شود. بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی، مردم به‌شدت تحت تأثیر افراد دیگری هستند که آن‌ها نیز خود تحت تأثیر جوامعی هستند که در آن زندگی می‌کنند لذا در این رویکرد، مفهوم معنویت با بررسی و مطالعه گروه‌هایی از افراد که مردم به‌شدت تحت تأثیر آن‌ها هستند، صورت می‌گیرد. حمایت اجتماعی اغلب به‌عنوان یک جنبه مهم معنویت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد لذا معنویت اجتماعی اغلب توسط افرادی که یک احساس معنوی را در همراهی و مشارکت با دیگران تجربه می‌کنند، مطرح می‌شود.

رویکرد عرفانی^۱ (رازگونه)

این رویکرد شامل تجربه شخصی افراد از معنویت است که ممکن است به‌عنوان فرقه‌های فرعی از یک دین مانند یهودیت، مسیحیت، اسلام و یا بیشتر معنویت‌های شرقی باشد (عابدی جعفری، رستگار، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

رویکرد غیردینی (سکولار)^۲

معنویت سکولار به هیچ دینی پایبند نبوده و هیچ ارتباطی با آموزه‌های دینی یا ماوراء الطبیعی ندارد، طرفداران این رویکرد، معنویت را درون مرزهای تنگ جهان مادی محدود کرده و منکر «وجود» یا «وحدت وجود» خدا می‌شوند، آموزه‌های مرتبط با این رویکرد از مبانی عمل‌گرایی محض^۳، عمل‌گرایی محیطی و اجتماعی^۴ سرچشمه گرفته و دربرگیرنده معنویت‌های انسان‌گرا،

1. Mystical Spirituality
2. Secular
3. Pure Pragmatism
4. Environmental and Social Pragmatism

طبیعت محور و زمینی است. در واقع معنویت سکولار بر ویژگی‌های انسانی مانند عشق، دلسوزی، صبر، بخشش، مسئولیت، هماهنگی و نگرانی برای دیگران تأکید داشته و بیشتر بر رشد شخصی و آرامش درونی افراد و نه ارتباط با خالق هستی تأکید دارد. در این رویکرد پیشنهاد می‌شود که یک هدف مادی یا حتی یک هدف خیالی و موهوم هم ممکن است برای کسب معنویت طبیعی کفایت کند. در این رویکرد، معنویت می‌تواند، از طریق اعمال یا رفتارهایی چون مدیتیشن^۱، تمرکز^۲، تجسم^۳، تمرین، گذراندن زمان در طبیعت، مشاهده و مشغول شدن به هنر تجلی یابد.

رویکرد فرادینی

نظریه پردازان این رویکرد معتقدند: معنویت مفهوم یا اصلی است که از درون افراد سرچشمه می‌گیرد و چیزی فراتر از دین / مذهب است. در این رویکرد معنویت را خودآگاهی (شعور) درونی که فراتر از ارزش‌ها و اعتقادات دینی / مذهبی است، تعریف می‌کنند. آموزه‌ها و تعالیم عملی این رویکرد می‌تواند، از هر دین یا مکتب الهی یا غیر الهی نیز گرفته شود.

مفهوم‌شناسی معنویت

الف) تعریف لغوی معنویت

برای روشن شدن موضوع هر بحثی، معمولاً از معنای لغوی سخن آغاز می‌شود؛ معنویت گاهی در مقابل صورت و صوری و گاهی در مقابل لفظ و لفظی یا ماده و مادی آورده شده است. معین (۱۳۹۹) در تعریف معنویت می‌نویسد: معنویت در لغت، مصدر جعلی از کلمه معنوی و به معنای معنوی بودن است، وی در تعریف معنوی، آن را منسوب به «معنی» و گاه در مقابل لفظی، جسمانی یا مادی و به معنای حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، حقیقی و روحانی می‌داند. لغت‌نامه دهخدا، معنویت را در مقابل لفظی قرار داده یعنی، معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌گردد و زبان را در آن بهره‌ای نیست، معنویت در معانی دیگری از جمله حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، و روحانی نیز به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۱۷۳). همچنین فرهنگ لغات آکسفورد (۲۰۲۱) معنویت را واقعیت یا کیفیتی مرتبط با روح یا متشکل از جوهر غیرمادی می‌داند.

1. Meditation
2. Focus
3. Visualization

شریف جرجانی متکلم و ادیب قرن هشتم هجری در کتاب التعریفات، زبان و سخن را از معنویت بی بهره دانسته و نقش اصلی را به قلب و دل نسبت داده و می‌نویسد: «المعنوی هو الذی لا یکون للسان فیه حظ و انما هو معنی یعرف بالقلب» «یعنی معنویت چیزی است که فقط به وسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست» (به نقل از ایران‌دوست، ۱۳۹۷).

ب) تعریف اصطلاحی معنویت

معنویت مفهومی مبهم، پیچیده، چندبعدی و دارای سطح انتزاعی بالایی است که متفکران و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف علمی تعاریف متعدد و متنوعی برای آن ارائه نموده‌اند، و هر یک از تعاریف ارائه‌شده از زاویه خاصی به این مقوله پرداخته و ابعاد متفاوتی از آن را بیان نموده‌اند. وجود تعاریف متعدد درباره مفهوم «معنویت» ناشی از وجود تفاوت در جهان‌بینی، مبانی فلسفی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای متفاوت حاکم در بین اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه است. اریکسون (۲۰۰۷) در این زمینه می‌نویسد: مفهوم معنویت با توجه به مبانی فلسفی و فرهنگی در جوامع مختلف معانی متفاوتی داشته و در واقع مفهومی کاملاً وابسته به زمینه است. این تنوع در تعریف، موجب شده تا ارائه تعریفی جامع، مانع و قابل دفاع که مورد توافق صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف قرار گیرد، به مسئله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شود، به گونه‌ای که تعاریف معنویت بیش از آنکه این مفهوم را شفاف سازد، آن را پیچیده‌تر نموده است.

در این قسمت برای شناخت فضای فکری محققان غربی درباره معنویت، به بررسی برخی از تعاریف ارائه‌شده، توسط آنان خواهیم پرداخت. در همین زمینه میت‌روف و دنتون (۱۹۹۹) معنویت را به مثابه شوق و میل به یافتن معنا و هدف زندگی و زیستن بر اساس آن تعریف می‌کند. کازینز^۱ (۱۹۸۶) نیز معنویت را به جنبش‌های درونی روح انسان به سوی حقیقت واقعی، متعالی و الهی تعریف می‌کند. کاوانا (۱۹۹۹) و مگنایت (۱۹۸۴) معنویت را به مثابه نیرویی انرژی‌زا، برانگیزاننده، الهام‌بخش و روح‌بخش زندگی تعریف می‌کنند. همچنین کاله (۲۰۰۴) در تعریف معنویت می‌نویسد: معنویت جستجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف در زندگی است. کینگ (۱۳۸۳) معنویت را ناظر به هدفی متعالی و الهی، هدفی فراسوی فردیت انسان می‌داند.

1. Cousins

حضرت امام خمینی (ره) Σ (۱۳۸۵) معنویت را مجموعه صفات و اعمالی تعریف می‌کند که ... انسان را در سیر به سوی خدای یگانه پیش ببرد. ... وجه غالب اساسی در معنویت توجه به خدا و انجام عمل برای او است. هم در نیت و هم در عمل خدا را حاضر و ناظر دانستن، معنویت است (ج ۱۶: ۸). همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: که امور معنوی، یعنی آن وجه انسانی که از عالم غیب است (۱۳۸۵، ج ۴ ص ۱۸۳) در این تعاریف معنویت به جنبه روحانی و باطنی انسان و بر مبنای اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به عالم غیب و عالم را محضر خدا دانستن نسبت داده شده است. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۷) در بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت را به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در فرد و جامعه تعریف می‌کنند (ص ۱۰). و در جای دیگری می‌فرمایند: معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی است (بیانات، یکم اردیبهشت ۱۳۸۹). همچنین در بیان دیگری معنویت را «فریب ظواهر را نخوردن و دل‌بستگی به زروزیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن» توصیف می‌کند (بیانات ۲۷ شهریور ۱۳۷۰). شهید مطهری معنویت را شناخت خدا و ماورای طبیعت و ایمان به آن می‌داند (۱۳۸۷، ص ۲۴۵). همچنین ایشان در جای دیگری (۱۳۷۳) معنویت را به معنای ارزش‌های انسانی یا گرایش‌های مقدس و شامل عالم ماورای مادی معرفی می‌کند (ص ۴۸).

ملکیان (۱۳۷۹) معنویت را نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی معرفی می‌کند که نتیجه آن حذف حالت‌های نفسانی نامطلوب مانند غم و ناامیدی، اضطراب، احساس سردرگمی، بی‌معنایی و بی‌هدفی در انسان است که موجب رضایت باطن می‌شود. همچنین خسرو پناه (۱۳۹۳) درباره چیستی معنویت می‌گوید: معنویت به معنای منسوب به عالم معنا و عالم باطن و در برابر مادیت و امر ظاهری است. امور معنوی عبارت از حقایق روحانی و اخلاقی و اخروی است. رودگر (۱۳۸۷) معنویت را پاسخ مثبت به نیازهای درونی و گرایش‌های فطری و پیوند انسان با خدا و عالم باطن و اصالت را به معنا و متافیزیک دادن تعریف می‌کند (ص ۴۳).

معنویت از منظر اسلام، توجه و اهتمام به باطن تعالیم و آموزه‌های نظری و عملی دین و به‌طور کلی، توجه به باطن و غیب هستی و پیراستن نفس از تعلق مادیات و آراستن آن به روحانیت احکام و دستورات دین مبین اسلام، در پرتو توجه و تدبیر خالصانه و زینت دادن آن به نورانیت جاری و ساری در نظام آفرینش و از رهگذر طهارت و خلوص عارفانه است (ذاکری، هویدا و نجفی، ۱۳۹۰). میرزایی و دلیر صف‌آرای اخگر (۱۳۹۷) معنویت را نوعی سیر از ظاهر به باطن و ارتباط

درونی با امور متعالی و حقایق غیرمادی که برخاسته از بینش و انتخاب آگاهانه، بندگی خدا و تهذیب نفس دانسته و نتیجه آن را اولویت دادن به ارزش‌های متعالی، یافتن نگرشی الهی به هستی و یافتن حیاتی محبت‌آمیز می‌دانند.

سقای بی‌ریا (۱۳۸۷) معنویت را باور به خداوند و ایمان به امور غیبی و جهان آخرت که ارتباط با خدای متعال از راه ایمان به خدا و غیب جهان، عواطف و انگیزه‌های الهی و نیز استعانت از نیروهای غیبی بر اثر قرب الهی است، تعریف می‌کند (ص ۸۰). موسوی نسب (۱۳۹۳) معنویت را حالتی نورانی ملکوتی و باطنی که بر اثر بندگی و اطاعت از دستوره‌های خداوند و دوری از پلیدی‌ها در انسان ایجاد می‌شود، معرفی می‌کند (ص ۲۳).

محمدی (۱۳۹۰) معنویت را نتیجه نوعی سیر از ظاهر به باطن، و ارتباط درونی با امور متعالی و حقایق غیرمادی که برخاسته از بینش و انتخاب آگاهانه، بندگی خدا، تهذیب نفس تعریف کرده و نتیجه آن را اولویت دادن به ارزش‌های متعالی، یافتن نگرشی الهی به هستی و حیاتی محبت‌آمیز معرفی می‌نماید.

محقق داماد (۱۳۸۹) در تعریف معنویت می‌نویسد: معنویت در الهیات اسلامی گوهر اصلی دین‌داری است و صرف تقید و عمل به احکام شریعت یا تقید به اعمال اخلاقی نیست. معنویت در الهیات اسلامی شامل معرفت و ایمان به غیب و تبیین توحیدی از نظام هستی و مبتنی ساختن اعمال جوارحی و جوانحی بر همین پایه و بنیان است. این معنویت زیربنای عبادات و اخلاقیات است (ص ۶۲).

پیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در زمینه موضوع پژوهش تاکنون کتاب‌های مختلفی از جمله «معنویت و تاریخ» (شلدریک، ۱۹۹۲) «نقد معنویت مدرن» (جعفری، ۱۳۹۰) «دین، و معنویت و روشنفکری» (ملکیان، ۱۳۸۸) «بحران معنویت در عصر حاضر» (ناصری، ۱۳۸۷) «معنا منهای معنا» (رشاد، ۱۳۸۸) «معرفت و معنویت» (نصر، ۱۳۸۰) «علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم» (گلشنی، ۱۳۷۹) «عقلانیت و معنویت در نهج البلاغه» (اسلامی، ۱۳۸۱) «معنویت اسلامی (چیستی، چرایی و چگونگی)» (الهامی‌نیا، ۱۳۹۰) «سیری در معنویت اسلامی» (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴) و مقالاتی که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت تدوین شده است، اما بررسی

مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد تاکنون در خصوص موضوع پژوهش اثر پژوهشی مستقلی ارائه نشده است لذا ضروری است، تحقیق مستقلی در خصوص ماهیت (چیستی) معنویت از دیدگاه اسلام صورت پذیرد.

ایران دوست (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «چیستی معنویت و سیر معناپذیری آن در غرب» به بررسی سیر معناپذیری معنویت در غرب و تبیین فلسفی مفهوم آن پرداخته و می‌نویسد که معنویت با همه مقومات و پیش‌فرض‌هایش جدا از زندگی این دنیا نیست. وی معتقد است، اصطلاح معنویت نزد دانشمندان اسلامی، گاه در معنای غیب و ملکوت، سیر و سلوک، حالات عرفانی، صفای درون، گاهی به معنای دین و حقیقت اسلام و گاهی در مقابل امور مادی و به معنای ارزش‌های اخلاقی، به کار می‌رود.

میرزایی و دلیر صف‌آرای اخگر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران معنویت در جهان معاصر» ابتدا به بررسی مفهوم معنویت، بحران معنویت و معنویت‌های کاذب پرداخته و شاخصه‌های معنویت‌های کاذب را شامل رهبران شکست‌خورده و نااهل، تک‌بعدی بودن، داشتن اغراض تشکیلاتی، عدم التزام به دین و تناقض آمیز بودن معرفی نموده و در ادامه شاخصه‌های معنویت دینی را شامل معرفت و خداگرایی، ایمان و عمل صالح و عقلانیت معرفی می‌نماید. وی عوامل بروز بحران معنویت دینی را شامل: سستی در عبادات و مناسک دینی، فرقه‌گرایی، معنویت زدایی، عدم شناخت صحیح از مبانی معنویت دینی و اشتباه در تشخیص مصادیق معنویت دینی و شبه معنویت‌ها می‌داند.

رجبی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل تطبیقی شاخصه‌های معنویت در عصر ظهور و عصر مدرن» به بررسی تفاوت‌های معنویت‌های مدرن و معنویت عصر ظهور پرداخته است. وی شاخص‌های معنویت دینی را شامل خدااباوری، ایمان به غیب، عقلانیت، عبودیت، تکلیف محوری، شریعت‌گزینی، معناداری و رضایتمندی از زندگی و عدالت‌محوری دانسته و شاخص‌های معنویت مدرن را شامل کثرت‌گرایی دینی، آخرت‌گریزی، زمینی و دنیوی بودن، اکنونی بودن، عقل‌گرایی، شریعت‌گریزی و نفی تعبد می‌داند.

غفاری قره‌باغ (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تحلیلی اهداف و ویژگی‌های معنویت در اندیشه فلسفی و عرفانی متفکران مسلمان» ضمن بررسی مفهوم معنویت آن را به دو دسته

حقیقی و غیرحقیقی طبقه‌بندی نموده است، وی معیار «فعل معنوی» از دیدگاه اسلام را شامل «نیت» «معرفت به فعل» و «جهت‌گیری اخلاقی» معرفی می‌نماید سپس اهداف زندگی معنوی را شامل «ارتقاء شناخت توحیدی» «ارتقاء گرایش‌های عبادی» و «ارتقاء انگیزه برای حرکت به سوی حقیقت اصیل» معرفی می‌کند.

کیانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان» به تبیین و مقایسه مفهوم معنویت در اسلام و غرب پرداخته و می‌نویسند: تعریف واحدی درباره مفهوم معنویت وجود ندارد و مهم‌ترین عامل در تنوع این دیدگاه‌ها، نوع رابطه مفهوم معنویت با دین است. ایشان دیدگاه‌های اندیشمندان را بر اساس نوع رابطه بین معنویت و دین تحلیل و آن‌ها را ذیل سه نوع جهان‌بینی دینی، فارغ از دین و غیردینی تبیین کرده‌اند.

رودگر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «معنویت‌گرایی در قرآن» به بررسی مبانی معنویت در قرآن شامل اصالت روح، اصالت فطرت، اصالت عالم غیب و اصالت شریعت و مؤلفه‌های معنویت‌گرایی در قرآن شامل عقل‌گرایی و خردورزی، اعتدال و توازن و عبودیت‌گرایی پرداخته و خصوصیات معنویت در قرآن را شامل جاودانه و ابدی، فراجنسیتی و فراطبقاتی، مبتنی بر ایمان و عمل صالح، تصعید‌یابنده و تعالی‌پذیر و آرامش‌دهنده و سکونت بخش معرفی می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای و از نظر معرفت‌شناسی پژوهشی کیفی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای (بررسی اسنادی) صورت گرفته و روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل مفهومی پیش‌رونده است (حنیفه زاده، صادق زاده قمصری، فرامرز قراملکی، و ایمانی نائینی، ۱۳۹۷). در این روش از طریق تحلیل مفهومی، عناصر اساسی مفهوم موردنظر شناسایی می‌شود تا در پرتو کشف و برجسته‌سازی عناصر اساسی و هویت‌ساز آن مفهوم، دانش و درک عمیق‌تری نسبت به مفهوم یا موضوع موردنظر پیدا شود.

معنویت مفهومی است، که در جوامع مختلف بر اساس باورها و ارزش‌های آن جامعه تعریف می‌شود. از آنجا که هدف این پژوهش تبیین چستی معنویت از دیدگاه اسلام است، برای دستیابی به این هدف، ابتدا به بررسی آیات قرآن، روایات و نظرات برجسته‌ترین اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان پرداخته سپس با تحلیل موضوعی این داده‌ها کوشش شد تا به تعریف و تبیین معنویت از دیدگاه اسلام دست یابیم.

سؤال‌های تحقیق:

- سؤال ۱) مفهوم معنویت دینی از نظر اسلام چیست؟
- سؤال ۲) عوامل مؤثر بر معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۳) ابعاد معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۴) مبانی معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۵) ویژگی‌های انسان معنوی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۶) راهبرد دستیابی به معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۷) پیامدهای معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟
- سؤال ۸) بستر و زمینه معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در این پژوهش هشت سؤال وجود دارد که سعی شد، از طریق تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، پاسخ مناسب برای آن‌ها فراهم گردد.

سؤال ۱) مفهوم معنویت دینی از نظر اسلام چیست؟

بررسی تعاریف ارائه‌شده، نشان می‌دهد که اندیشمندان و صاحب‌نظران در تعریف و تبیین معنویت، گاه آن را حالتی روحانی در مقابل امور مادی (امام خمینی، ۱۳۸۵؛ مطهری، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۲۳؛ خسرو پناه، ۱۳۹۳؛ موسوی‌نسب، ۱۳۹۳) و گاهی به معنای ارزش‌های اخلاقی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷؛ مطهری، ۱۳۷۳) گاهی به معنای غیب و ملکوت (امام خمینی، ۱۳۸۵؛ مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵؛ سقایی‌بی‌ریا، ۱۳۸۷) گاهی به معنای سیر و سلوک/ نوعی حیات و یا زندگی خاص (میرزایی و دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷)، گاه به‌عنوان معنابخشی به زندگی (میت‌روف و

دنتون، ۱۹۹۹؛ کاله، ۲۰۰۴) گاه نوعی احساس نسبت به حقایق عالم (کازینز، ۱۹۸۶)، گاه رابطه بین دین و معنویت (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳) گاهی به معنای حالات عرفانی (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ذاکری، هویدا و نجفی، ۱۳۹۰) معرفی می کنند که در ادامه به توضیح مختصری پیرامون آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف) یکی از مواردی که در تعریف معنویت نقش اساسی دارد، رابطه دین و معنویت است هر گاه به موضوع معنویت، در قالب این رابطه بنگریم، دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه اول معتقد به وجود رابطه بین دین و معنویت و دیدگاه دوم، قائل به جدایی بین دین و معنویت است. در دیدگاه اول گروهی معنویت را ذیل دین تعریف کرده و دین را اعم از معنویت و گسترده تر از آن می دانند و معنویت، ماهیت و شکل خود را از دین اخذ می کند. اما گروه دیگر معنویت را اعم از دین، و دین را یک بعد از معنویت می دانند، در این دیدگاه قلمرو معنویت را فراتر از دین می انگارند. لازم به ذکر است، از نظر اسلام معنویت ذیل دین تعریف می شود.

ب) دیدگاه دیگری در تعریف معنویت وجود دارد که معنویت را نوعی سیر و سلوک/ حیات یا سبک زندگی خاص می داند، در این دیدگاه ویژگی های حیات یا سبک زندگی معنوی مطرح می شود، از ویژگی های این نوع زندگی، خلوص نیت، عواطف پاک و تمایلات درونی است. مصداق این نوع سبک زندگی «حیات طیبه» است که مستلزم تحقق اختیاری نوعی زندگی شایسته، بر اساس نظام معیار دینی و به منظور دستیابی به قرب الی الله است.

ج) گروه دیگری معنویت را به معنای، جستجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف در زندگی و در واقع معنابخشی به زندگی تعریف می کنند. از دیدگاه اسلام معنویت با معنابخشی صرف به زندگی یکی نیست، زندگی معنادار ممکن است، انسان را از پوچی و بی هدفی و سرگشتگی برهاند، اما لزوماً با زندگی معنوی یکی نیست.

د) در دیدگاه دیگری معنویت را نوعی احساس نسبت به حقایق عالم می دانند، در معنویت برون دینی معنویت را به مثابه نیرویی انرژی زا، برانگیزاننده، الهام بخش و روح بخش زندگی که ناظر به هدفی متعالی و الهی، و فراسوی فردیت انسان می داند. اما از این حیث، معنویت دینی، احساسی است که انسان نسبت به حقایقی پیدا می کند که در افقی بالاتر از عالم ماده قرار گرفته و انسان برای دستیابی به این معنویت باید تکالیفی را انجام دهد، اما در معنویت برون دینی به هیچ وجه

بحث تکلیف در میان نیست در معنویت برون دینی هرگونه تجربه عاطفی یا هیجانی شدید نسبت به هر موضوعی معنویت به حساب می آید، مهم این است که شخص برانگیخته شود، احساس اوج کند و سرشار از حس عظمت شود. هر فردی می تواند، با آغوش باز به سراغ هرگونه تجربه ای برود، تجربه ای که می تواند، نقطه اوج و آرامش روانی (بهداشت روانی) را برای انسان به ارمغان بیاورد.

ه) برخی صاحب نظران به معنویت رویکردی عقلانی دارند، در این رویکرد، معنویت همچون سایر امور بایستی از اصول عقلانی بهره مند بوده و گزاره های خود را با استناد به عقل تبیین کند. هر دو نوع معنویت دینی و برون دینی به عقلانیت معتقدند، منتهی عقلانیت مورد نظر معنویت برون دینی، عقلانیت خودبنیاد است که تنها بخشی از نیازهای معنوی بشر را تأمین می کند، اما در معنویت دینی منظور از عقلانیت در واقع جمع عقل و ایمان و جمع عقلانیت زمینی با ایمان آسمانی است.

و) گروهی معنویت را به معنای حالات عرفانی معرفی می نمایند در این دیدگاه معنویت، نتیجه نوعی سیر از ظاهر به باطن، و ارتباط درونی با امور متعالی و حقایق غیرمادی که برخاسته از بینش و انتخاب آگاهانه، بندگی خدا، تزکیه و تهذیب نفس تعریف شده و نتیجه آن را اولویت دادن به ارزش های متعالی، یافتن نگرشی الهی به هستی و حیاتی محبت آمیز معرفی می نماید. مصداق این نوع نگاه به معنویت «قلب سلیم» است.

ز) گروه دیگری از اندیشمندان معنویت را کیفیت (حالتی) روحانی معرفی می کنند که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و با واجب الوجود (خدای متعال) حاصل می شود و معنویت بر مبنای اعتقاد به عالم غیب و جهان ماوراء و اصالت را به عالم باطن دادن شکل می گیرد و خداوند متعال به عنوان منبع و سرچشمه وجود و همه کمالات معرفی و قرب الهی هدف اصلی آفرینش انسان شمرده شده است.

با توجه به این که هدف این پژوهش تبیین چیستی معنویت از دیدگاه اسلام است، برای تعریف معنویت از دیدگاه اسلام از دو ثقل اصلی دین مبین اسلام یعنی قرآن کریم و احادیث رسیده از طریق چهارده معصوم همچنین نظرات اندیشمندان و صاحب نظران برجسته مسلمان بهره گرفته شد. بررسی تعاریف ارائه شده، توسط اندیشمندان و صاحب نظران مسلمان نشان می دهد، رویکردی که بیشترین فراوانی را در

تعریف معنویت به خود اختصاص داده، رویکرد ارائه شده در بند «و» است لذا این رویکرد مبنای تعریف و تبیین معنویت در این پژوهش قرار گرفت، با توجه به توضیحات فوق، تعریف معنویت در این پژوهش عبارت است از:

معنویت کیفیت (حالتی) روحانی است که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و واجب‌الوجود (خدای متعال) از مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال و بر مبنای مبانی معرفت شناختی و احکام دین مبین اسلام همچنین ارزش‌های اخلاق اسلامی برای دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد این نوع از معنویت بر پایه مبانی و اصولی از جمله معرفت، ایمان و عمل صالح، عقلانیت، ارتباط و پیوند دائمی میان انسان و خدا، آخرت‌گرایی، عبودیت، اصالت فطرت و اصالت روح شکل می‌گیرد. از این دیدگاه انسان معنوی دارای ویژگی‌هایی شامل احساس فقر و نیاز به خداوند، اعتقاد به وجود و یگانگی خدا، اعتقاد به عالم غیب، اعتقاد به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، اعتقاد به اختیار انسان، خودشناسی / معرفه‌النفس، معرفت به احکام دین و التزام عملی به آن‌ها و معرفت به ارزش‌های اخلاقی و التزام عملی به آن‌ها است.

سؤال ۲) عوامل مؤثر بر معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

مظاهری سیف (۱۳۹۳) می‌نویسد: معنویت فرایندی پویا و تحولی است که بروز آن در انسان نیاز به دو عامل دارد: نخست عاملی که تحول را ایجاد می‌کند: دوم قلبی که تحول را می‌پذیرد. اگر آمادگی و قابلیت پذیرش تحول، درون شخص وجود نداشته باشد، تحولی پدید نمی‌آید. عامل اثرگذار در این تحول، لطف خداوند و اراده اوست که دل‌ها را نرم و نورانی می‌سازد (ص ۸۶). وقتی قلب انسان برای پذیرش حق تسلیم می‌شود، در اثر تسلیم انسان در برابر خدا و پذیرش حق، ارتباط انسان با خداوند برقرار می‌شود، برقراری این ارتباط باعث بروز تحولی در انسان می‌شود که او را پذیرای لطف خداوند می‌نماید. با توجه به توضیحات فوق، شرط علی معنویت اسلامی «لطف خداوند و اراده» و شرط میانجی معنویت اسلامی «آمادگی و قابلیت شخص» برای پذیرش لطف خداوند است.

سؤال ۳) ابعاد معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

در تبیین ماهیت معنویت بایستی به تمایز میان رفتار و کنش توجه نمود. رفتار، پاسخ یک موجود زنده به یک محرک بیرونی است. در این معنا، رفتار امری مکانیکی است اما کنش، پاسخ فعالانه و خلاق یک کنش‌گر (فاعل انسانی) به محیط خود است. در انسان به‌عنوان یک موجود زنده، دو خاصیت تحت عنوان دستگاه ادراک و دستگاه اراده وجود دارد. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به‌عنوان «عواطف/گرایش» تعریف می‌شوند. این دو عامل نقشی اساسی، در پیدایش «کنش» ایفا می‌کنند لذا هیچ کنش (فعل ارادی و اختیاری) بدون شناخت و میل و گرایش (عواطف) تحقق نمی‌پذیرد. بنابراین شناخت به‌تنهایی نمی‌تواند، کنش را ایجاد کند. عواطف از محرک‌های مهم و اساسی کنش‌های انسان به‌شمار می‌آیند و محرک‌ها مادامی که برانگیخته نشوند، موجب بروز هیچ کنشی نخواهند شد و ناگزیر باید با تمایل و میل و رغبت پیوند یابند تا به فعلیت برسند.

با توجه به توضیحات فوق هر کنشی نیازمند سه عنصر معرفت (شناخت) عواطف (گرایش) و اراده (نیت/تصمیم) است. در همین زمینه غفاری قره‌باغ (۱۳۹۶) معنویت اسلامی را به معنای برخوردار از اندیشه، گرایش (نگرش) و اراده (نیت/تصمیم) و به‌تبع آن‌ها، اقدام خارجی از طریق التفات به یکی از ارزش‌های اخلاقی و اهتمام به مسیردهی به فعل در جهت تحقق بخشی به آن مقصود اخلاقی و در نتیجه، اهتمام به ارتباط با حقیقت برتر و متعالی‌تر از خود تعریف می‌کند. بر مبنای این تعریف، عملی، معنوی تلقی می‌شود که لایه‌های باطنی آن اعم از اندیشه، گرایش و نیت، مقدم بر آن عمل، بهره‌مند از سمت و سوی اخلاقی و دینی باشد. همچنین فقیهی (۱۳۸۹) مقدمات انجام یک عمل را شامل سه بعد شناختی (معرفتی) عاطفی / گرایشی (میل و انگیزه) و ارادی (اراده، نیت و تصمیم) معرفی می‌نماید.

اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸؛ ص ۴۳۴). بر اساس این فرمایش حضرت امام خمینی لا‌گوهر معنویت اسلامی با توحید پیوند خورده و ابعاد آن بایستی برخوردار از صفت توحیدی باشد، با توجه به توضیحات فوق، می‌توان نتیجه گرفت که معنویت اسلامی دارای چهار بعد شامل بعد معرفتی (معرفت و شناخت توحیدی) بعد عاطفی (نگرش/گرایش توحیدی) بعد ارادی/نیت (قربه الی الله) و بعد کنشی (عمل معنوی)

است. معرفت و شناخت توحیدی، باطنی‌ترین گزینه در اقدام به فعل / عمل معنوی است، نگرش / گرایش توحیدی، به‌عنوان عامل نیت و تصمیم، لایه باطنی برای نیت است و نیت (قربه الی الله)، باطن فعل / عمل معنوی است.

الف) بعد معرفتی (معرفت و شناخت توحیدی)

فلاسفه و عرفای مسلمان اولین هدف زندگی معنوی را ارتقاء معرفت توحیدی انسان می‌دانند، در همین زمینه اشعری، باقری و حسینی (۱۳۹۱) معتقدند: یک جنبه از تربیت معنوی، تفصیل بخشیدن به معرفت و شناخت ربوبی است (ص ۹۹). معرفت توحیدی، نوری است که بر دل می‌تابد و قلب‌ها آن را درک می‌کنند، به‌طوری‌که ذهن در برابر این فروغ بی‌پایان تسلیم می‌شود و بی‌تکلف آن را می‌پذیرد؛ به همین علت است که لذت و سرور را برمی‌انگیزد و شور و هیجانی وصف‌ناپذیر در دل اهل معنویت برپا می‌شود.

ابن عباس در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) معتقد است: مقصود خداوند از عبادت در این آیه آن است که بندگان خدا را بشناسند (خرزاعی نیشابوری، ۱۳۶۶: ۱۵۵). امام صادق ع فرمود: امام حسین ع بر اصحابش وارد شد و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۸۳ ح ۲۳). ای مردم، خداوند عز و جل بندگان را نیافرید، مگر این‌که او را بشناسند، چون او را شناختند، پرستندش و چون او را پرستند، از پرستش جز او بی‌نیاز می‌شوند. بر طبق آیات و روایات فوق، می‌توان نتیجه گرفت که هدف زندگی معنوی ارتقا معرفت انسان نسبت به خداوند (معرفت و شناخت توحیدی) است.

ب) بعد عاطفی (نگرشی / گرایشی): نگرش توحیدی

معرفت انسان، آغاز و مبدأ تمام حرکات‌ها و اقدامات ارادی او است؛ اگر معرفت و ادراک شکل نگیرد، هیچ فعل ارادی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ از این رو اولین چیزی که برای شکل‌گیری فعل ارادی لازم است، معرفت است؛ بنابراین اگر علم به اینکه فعل، خیر و کمال است، به نحو تام نزد فاعل حاضر گردد، این دانش، اشتیاق فاعل به سوی فعل را برمی‌انگیزد (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۱۶۹-۱۶۸). پس از تحقق معرفت و ادراک، اولین نمره‌ای که در پی آن، تحقق می‌یابد، گرایش

و اشتیاق است؛ این گرایش و این میل که انسان در درون خود نسبت به یک فعل خاص می‌یابد، محصول معرفت و ادراک خاصی است که نسبت به این فعل دارد. جوادی آملی (۱۳۷۹) در این باره می‌نویسد: گرایش‌های انسان مسبوق به گزارش‌های علمی او است. بنابراین همه گرایش‌های انسان به امامت گزارش‌ها و بینش‌های شهودی او راه‌اندازی می‌شود؛ یعنی در واقع گرایش‌های عملی، امت‌گونه عمل می‌کنند، نه اینکه امام باشند؛ رهبری همه کارهای انسان بر عهده اندیشه‌های اوست (صص ۳۹-۳۸). با توجه به توضیحات فوق، اولین نتیجه‌ای که در پی ارتقای معرفت توحیدی به دست می‌آید، ارتقای گرایش و میل به سوی توحید است.

ج) بعد ارادی (نیت / تصمیم): نیت قر به الی الله

در فرهنگ اسلامی انگیزه و نیت فرد برای انجام عمل از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. در همین زمینه نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۸۴). «نیت مؤمن از عمل او بالاتر و برتر است». و آن حضرت در جای دیگری می‌فرمایند: «لَمَّا الْأَعْمَلُ بِالنِّيَّةِ» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴) «ارزش اعمال به نیت است». و در روایت دیگری بیان شده که «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۲۳۴). «هیچ عملی بدون توجه به نیت فاعل آن ارزشی ندارد». مقصود از این روایات آن است که ارزش و اعتبار عمل به نیت فاعل آن بستگی دارد. همچنین مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در محیط اسلام دل‌ها باید به سمت خدا باشد. نیت‌ها باید برای خدا باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰ دی ۱۳۷۲). با توجه به توضیحات فوق، یکی از ابعاد معنویت اسلامی بعد ارادی (نیت / تصمیم): نیت قر به الی الله است.

د) بعد کنشی (عمل معنوی)

بر اساس رابطه علیت بین اندیشه و گرایش و نیت و اقدام خارجی، اگر ادراک و شناخت نسبت به عمل، شناخت کافی و کامل باشد، این ادراک زمینه‌ساز شکل گرفتن گرایش کامل خواهد بود و گرایش کامل، مقدمه تصمیم کامل است و طبعاً تصمیم کامل، منشأ یک اقدام صحیح و معنوی خواهد بود (غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۶). در عرصه عمل نیز انسان معنوی، غیر از خواست الهی عمل نمی‌کند؛ از این رو احکام شریعت نه محدودۀ عمل او، بلکه منبع اراده و عمل او

می‌شود. به این ترتیب انسان معنوی، خواسته‌ای برخلاف شرع نخواهد داشت و عمل او بر اساس الگوهای شرعی شکل می‌گیرد.

سؤال ۴) مبانی معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

معنویت مفهومی انتزاعی است که دارای ماهیتی مستقل و عینی در خارج نیست؛ لذا در جوامع مختلف اندیشمندان و صاحب‌نظران، آن را بر اساس باورها و ارزش‌های موردقبول آن جوامع تعریف می‌کنند. از آنجا که هدف این پژوهش تبیین چیستی معنویت از دیدگاه اسلام است لذا برای دستیابی به این هدف، ضمن بررسی آیات قرآن، روایات و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان به تبیین مبانی معنویت از دیدگاه اسلام پرداخته خواهد شد.

برخی از این مبانی، از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان شامل معرفت، ایمان و عمل صالح، عقلانیت، ارتباط و پیوند دائمی میان خدا و انسان، آخرت‌گرایی، عبودیت، اصالت فطرت و اصالت روح است. لازم به ذکر است که در بین متفکران حوزه معنویت در خصوص مبانی معنویت اتفاق نظر وجود ندارد. لذا در این پژوهش سعی شد، مبانی ارائه گردد که بیش‌تر مورد توافق صاحب‌نظران این حوزه قرار دارند.

الف) معرفت

اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف از جمله (رودگر، ۱۳۸۶؛ میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) معرفت را از اساسی‌ترین مبانی معنویت اسلامی معرفی می‌کنند، در همین زمینه مظاهری سیف (۱۳۹۳) می‌نویسد: اساس معنویت، ارتباط با خداست و این ارتباط در گرو معرفت اوست (ص ۴۳). در همین زمینه آقا امیرالمؤمنین $\frac{1}{2}$ سرآغاز دین‌داری را معرفت خدا دانسته و می‌فرمایند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ» (نهج البلاغه: خطبه ۱) «آغاز دین شناخت اوست». همچنین در معنویت اسلامی، معرفت هم شامل شناخت خداوند متعال و هم شناخت انسان از خودش است. از نظر اسلام شناخت خداوند متعال، در گرو شناخت انسان از خود است. پیامبر اکرم (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲، ح ۲۲: ۳۲) «هر کس خود را بشناسد، خدایش را شناخته است».

ب) ایمان و عمل صالح

برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران از جمله (رودگر، ۱۳۸۸؛ میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷) ایمان و عمل صالح را یکی از مبانی معنویت اسلامی معرفی می‌کنند، در معنویت اسلامی، بین ایمان و عمل صالح همواره پیوندی محکم و ناگسستگی وجود دارد. در قرآن مجید، تقریباً در ۵۳ آیه، ایمان و عمل صالح در کنار هم قرار گرفته، و هر جا خداوند فرموده: (الَّذِينَ آمَنُوا) به دنبالش فرموده است: (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) همچنین آقا امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «الإيمانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷) «ایمان، شناخت با دل و اقرار با زبان و عمل با اعضا است». آیات مذکور و این کلام حضرت، ایمان را با عمل صالح قرین نموده‌اند. این مقارنت بیانگر ارتباط متقابل بین ایمان و عمل صالح است. به عبارت دیگر انجام عمل صالح از لوازم ایمان شمرده شده، و عمل صالح در صورتی پذیرفته می‌شود که درخت عمل از آب زلال ایمان به «الله» سیراب گردد.

ج) عقلانیت

عقل وجه تمایز انسان از سایر موجودات و یکی از مهم‌ترین ابزارهای ادراکی در خدمت انسان برای درک حقایق هستی است لذا عقلانیت یکی از مبانی معنویت است که هر دو نوع معنویت دینی و برون دینی به آن معتقدند، اما عقلانیت موردنظر در معنویت دینی با عقلانیت موردنظر معنویت برون دینی متفاوت است. عقلانیت در معنویت برون دینی، عقلانیت خودبنیاد^۱ است که تنها بر فهم انسان برای درک حقایق هستی متکی است که تنها بخشی از نیازهای معنوی بشر را تأمین می‌کند، در مقابل از منظر اسلام، انسان بایستی، علاوه بر رسول باطنی (عقل) از حجت دیگری به نام رسول ظاهری (انبیاء)، نیز برخوردار باشد، در همین زمینه امام کاظم (ع) می‌فرماید:

۱. عقلانیت خودبنیاد به نوعی از عقلانیت اطلاق می‌شود که در آن همه چیز با مبنا و محور قرار گرفتن انسان تعریف می‌شود، یعنی مرکزیت هستی با انسان است و هستی خدا و جهان در پرتو انسان معنا دارد. در این نوع از عقلانیت عقل انسان قادر است به ماهیت همه موجودات پی برده و آنان را مورد شناسایی قرار دهد در این انسان همه چیز را با آئینه ذهن خود تفسیر می‌کند، خدا، وحی و ایمان در این نوع از عقلانیت همچون سایر موجودات متعلق موجودات هستند. در این پارادایم فراتر از فهم انسان، هیچ ارزشی وجود ندارد و ارزش‌ها را هم خود انسان پایه‌گذاری می‌کند و در واقع همه ارزش‌ها قراردادی‌اند.

«إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ، حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶) «خداوند بر مردم دو حجت قرار داده که یکی آشکار و دیگری پنهان است، حجت آشکار، رسولان، پیامبران و امامان هستند و حجت پنهان عقل انسان است»، لذا بشر برای تأمین همه نیازهای خویش باید به سراغ عقل و دین یا عقل و وحی برود تا به معنویت حقیقی دست یابد.

همچنین خسرو پناه (۱۳۹۲) می‌گوید: در دنیای کنونی محتاج مدل دیگری از عقلانیت هستیم که از آن تعبیر به «عقلانیت دینی» می‌شود. عقلانیت دینی در واقع جمع عقل و ایمان و جمع عقلانیت زمینی با ایمان آسمانی است. در همین زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: عقل و تفکر می‌تواند، انسان را پیش برد. البته در مراحل مختلف، عقل به نور وحی و نور معرفت و آموزش‌های اولیای خدا، تجهیز و تغذیه می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲ فروردین ۱۳۶۹).

د) ارتباط و پیوند میان انسان و خدا

از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف از جمله (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) ارتباط و پیوند دائمی میان انسان با خدا و بندگی او حقیقت معنویت است. نیاز به ارتباط انسان با خدا، از مبانی معنویت، در تمامی ادیان الهی است. امام علی ۰٪ خطاب به امام حسن مجتبی ۰٪ می‌فرماید: «فَأَيُّ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنَى وَكُزُومِ أَمْرِهِ وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَالِاغْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيْ سَبَبِ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبِ بَيْتِكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) «پسرم تو را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و ملازمت امرش و آباد کردن دل به یادش و چنگ زدن به ریسمانش، و کدام رشته محکم‌تر از رشته بین تو و خداوند است اگر به آن چنگ زنی». در فرایند ارتباط بین خدا و انسان، ارتباطی بین دو قطب الهی و انسانی رخ می‌دهد که در قطب الهی موجودی غنی، مقتدر، مقدس، مهربان و یگانه لایتناهی و در قطب انسانی، موجودی یکپارچه نیاز و درخواست وجود دارد. قرآن مجید به این نوع ارتباط اشاره نموده و می‌فرماید: «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» (محمد: ۳۸) «خدا (از خلق) بی‌نیاز است و شما فقیر و نیازمندید». آقا امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در مناجات خود در مسجد کوفه به این نوع رابطه اشاره نموده و می‌فرماید: «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ» (قمی، ۱۳۸۸، ص ۶۷۷). از رهگذر این ارتباط با خدا، قطب انسانی بر تارک همه مراتب هستی قرار گرفته و به کمال و بلوغ نهایی خود دست می‌یابد.

ارتباط بین انسان و خدا معنوی را شکل می‌دهد که برآیند آن زندگی معنوی خواهد بود. به این معنا که انسان معنوی در اثر باورمندی به خدا و حضور دائمی و همیشگی خدا در عالم هستی به معرفتی راه می‌یابد که خود را همواره در محضر او می‌بیند و همین امر سبب می‌شود تا به تعالیم الهی گردن نهاده و زندگی خود را بر اساس آن سامان دهد. در همین زمینه امام خمینی (ره) (۱۳۸۵) می‌فرماید: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت خدا نکنید» (ج ۱۳، ص ۴۶۱). این باور به زندگی انسان رنگ خدایی داده و این همان زندگی معنوی است که با التزام عملی و اخلاقی به احکام الهی، سعادت و رستگاری را برای خود فراهم می‌آورد.

۵) آخرت‌گرایی

از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف از جمله (خسرو پناه، ۱۳۸۷؛ رجبی، ۱۳۹۶؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) آخرت‌گرایی یکی از مبانی معنویت اسلامی است. در همین زمینه آقا امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «وَاعْلَمُ يَا بَنِيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنَّكَ فِي قَلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) «پسرم معلومت باد برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا، و برای فنا، نه برای بقا، و برای مرگ، نه برای حیات، در منزلی هستی که باید از آن کوچ کنی، و جایی که از آن به جای دیگر برسی، و خلاصه در راه آخرتی». و در جای دیگری می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ كَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلْفَنَا» (نهج البلاغه: نامه ۵۵) «اما بعد، خداوند سبحان، دنیا را برای آخرت قرار داده، و مردم را در دنیا در بوته آزمایش نهاده تا معلوم کند، عمل کدام‌یک بهتر است، ما را برای دنیا نیافریده‌اند».

همچنین مظاهری سیف (۱۳۹۳) می‌نویسد: در معنویت اسلامی نسبت دنیا و آخرت، نسبت ظاهر و باطن است. دنیا ظاهر حقیقتی است که باطنش آخرت و ابدیت است، و آخرت و ابدیت، باطن حقیقتی است که ظاهرش زندگی مادی دنیاست. اگر کسی به باطن رسید، نمی‌تواند، ظاهرش را انکار کند، اما اگر کسی در ظاهر بماند، ممکن است، باطن را انکار کند و از آن بهره‌ای نداشته باشد و با همین ظاهر در تقابل با حقایق باطنی قرار گیرد (ص ۷۱).

(و) عبودیت

اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۷۸؛ رجبی، ۱۳۹۶؛ رودگر، ۱۳۸۶؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) عبودیت را یکی از مبانی معنویت اسلامی می‌دانند. در معنویت اسلامی هدف اصلی قرب الهی است و این امر جز در سایه معرفت خدا و عبودیت حاصل نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) «و من جن و انس را نیافریدم، جز برای آنکه بندگی مرا به جای آرند». از آیه مورد بحث می‌توان، نتیجه گرفت که هدف اصلی خلقت «عبودیت» است. «عبد» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سستی به خود راه نمی‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۵).

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵، ج ۷، ص ۱۳) «عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته است» این کلام حضرت اشاره به آن دارد که عبد در اثر تلاش و کوشش می‌تواند، خود را در صفات شبیه به معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال او را در خود منعکس نموده و در سایه عبودیت به جایی برسد که به اذن پروردگار بتواند، در جهان تکوین، تدبیر و تصرف کند و صاحب ولایت تکوینی شود. ملکیان (۱۳۸۵) معتقد است: تباین بین معنویت انسان گرایانه و معنویت دینی، حاصل تفاوت فرایند فکری بین این دو دیدگاه است. در معنویت انسان گرایانه فرایند، فرایند پراگماتیستی است و در معنویت دینی فرایند عبودیت و بندگی است که یک انسان معتقد به معنویت دینی طی می‌کند.

(ز) اصالت روح

اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷؛ نعمتی، ۱۳۹۴؛ رودگر، ۱۳۸۸) اصالت روح را یکی از مبانی معنویت می‌دانند. از دیدگاه اسلام انسان موجودی است که از دو ساحت جسمانی و روحانی شکل گرفته و بعد روحانی او ناظر به عالم معناست لذا در حکمت اسلامی معنویت کیفیت (حالتی) روحانی است که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و با واجب‌الوجود (خدای متعال) حاصل می‌شود. در همین زمینه جوادی آملی (۱۳۹۲)

در تفسیر آیه «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: آیات ۷ و ۹) «آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید» می‌نویسد: از اسناد جسم انسان به گِل و روح او به خدا، معلوم می‌شود که این دو همتای هم نیستند؛ بلکه روح انسان، اصل و بدن او، فرع است (ص ۶۰).

ح) اصالت فطرت

اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷؛ نعمتی، ۱۳۹۴؛ رودگر، ۱۳۸۸) اصالت فطرت را از دیگر مبانی معنویت می‌دانند. انسان موجودی است که با سرشت و فطرتی خاص آفریده شده و فطرتاً خداجو و کمال طلب است. اگر انسان، فطرت الهی خویش را در نظر نگیرد و مقتضیات آن را با مقتضیات طبیعت از هم باز نشناسند، از هدایت‌های فطری محروم و در تمنیات طبیعی گرفتار می‌شوند. (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰، ص ۶) در این صورت فریفته اموری خواهند شد که مطلوب حقیقی و مورد تمنای فطرت نیست.

انسان با عمل بر اساس معرفت‌ها و میل‌هایش در حال تعیین بخشیدن به بعد نفسانی خویش است (اشعری، ۱۳۸۷، ص ۳۹-۳۸). در همین زمینه خسرو پناه (۱۳۹۴) نیز معتقد است معنویت‌گرایی انسان یک امر فطری است که خداوند سبحان در وجود انسان، تعبیه کرده است و گرایش آدمی به معنویت فطری است و در سرشت او نهفته است. قرآن کریم درباره فطرت دین‌مدارانه انسان بیان می‌دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِئَمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰) «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرناپذیر است. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

سؤال ۵) ویژگی‌های انسان معنوی از نظر اسلام کدام‌اند؟

با توجه هدف این پژوهش که تبیین چستی معنویت با رویکرد تربیتی است لذا یکی از لوازم دستیابی به این هدف، شناسایی ویژگی‌های انسان معنوی است، شناسایی این ویژگی‌ها ما را در تبیین و شناسایی اهداف و روش‌های تربیتی یاری خواهد رساند لذا در قالب پاسخ به سؤال دوم پژوهش به بررسی ویژگی‌ها (شاخصه‌های) انسان معنوی با استفاده از منابع و متون اسلامی پرداخته شد.

برخی از ویژگی‌ها (شاخصه‌های) انسان معنوی، از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان شامل اعتقاد به وجود و یگانگی خدا، اعتقاد به عالم غیب، اعتقاد به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، اعتقاد به اختیار انسان، خودشناسی / معرفه‌النفس، احساس فقر و نیاز به خداوند، معرفت به احکام دین و التزام عملی به آن‌ها، معرفت به ارزش‌های اخلاقی و التزام عملی به آن‌ها هستند که در ادامه به توصیف و توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت: لازم به ذکر است که در بین متفکران حوزه معنویت در خصوص ویژگی‌های معنویت اتفاق نظر وجود ندارد. لذا در این پژوهش سعی شد، ویژگی‌هایی ارائه گردد که مورد توافق بیش تر صاحب‌نظران این حوزه قرار دارند.

الف) اعتقاد به وجود و یگانگی خدا (توحید)

اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف از جمله (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۳۲۰؛ محمدی، ۱۳۹۰؛ رجبی، ۱۳۹۶؛ سفای بی‌ریا، ۱۳۸۷؛ میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷؛ ایراندوست، ۱۳۹۷) اعتقاد به وجود و یگانگی خدا را اولین ویژگی انسان معنوی می‌دانند. بی‌گمان، اصل توحید از جایگاهی والا در میان اصول اعتقادی دینی برخوردار است به گونه‌ای که دیگر اصول اعتقادی، بر این اصل استوار گشته‌اند؛ امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است (۱۳۸۵، ج ۸، ص ۴۳۴). لذا معنویت بدون اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند (توحید) بی‌معناست. آقا امیرالمؤمنین علیه السلام در خصوص یگانگی خدا (توحید) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «وَاعْلَمُ يَا بَنِيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَفْعَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَأُضَادُهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ وَ لَأُزُولُ أَبَدًا وَ لَمْ يَزَلْ أَوَّلٌ قَبْلَ الْأَشْيَاءِ بَلَاءَ أَوْلِيَّتِهِ وَ آخِرٌ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بَلَاءَ نَهَائِهِ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) «پسرم معلومت باد اگر برای پروردگارت شریکی بود، پیامبران آن شریک به سویت می‌آمدند، و آثار ملک و سلطنت او را دیده، و به افعال و صفاتش آشنا می‌شدی، اما او خدایی یگانه است، همان‌گونه که خود را وصف نموده، کسی در حکمرانی‌اش با او ضدیت نمی‌کند، هرگز از بین نمی‌رود، و همیشه وجود داشته، اول است، پیش از همه اشیاء و او را اولیتی نیست، و آخر است بعد از همه اشیاء و او را نهایی نیست». همچنین آن حضرت می‌فرماید: «التَّوْحِيدُ حَيَاةُ النَّفْسِ» (غررالحکم: ح ۵۴۰) «توحید حیات جان است».

ب) اعتقاد به عالم غیب

در حکمت اسلامی، عالم هستی دارای دو صحنه غیب و شهود است، و عالم غیب همان عالم معناست، در همین زمینه برخی از اندیشمندان و صاحب نظران مسلمان از جمله (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۰۱؛ محمدی، ۱۳۹۰؛ رجیبی، ۱۳۹۶؛ غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶؛ سقایی بی‌ریا، ۱۳۸۷؛ نعمتی، ۱۳۹۴؛ رودگر، ۱۳۸۸) یکی از ویژگی‌های انسان معنوی را اعتقاد به عالم غیب و اصالت دادن به این عالم معرفی می‌نمایند. برخی از آیات قرآن نیز بیانگر این موضوع هستند، در همین زمینه آیه سوم سوره بقره به این ویژگی اشاره نموده و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳) «آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند». امام علی علیه السلام در خصوص اعتقاد به عالم غیب می‌فرماید: «وَتُؤْمِنُ بِإِيمَانٍ مَنْ عَايَنَ الْعُيُوبَ وَوَقَفَ عَلَى الْمَوْعُودِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴) «به او ایمان می‌آوریم ایمان کسی که غیب‌ها را دیده، و به آنچه وعده داده شده واقف گشته، است». با توجه به توضیحات فوق یکی از ویژگی‌های انسان معنوی اعتقاد به عالم غیب است.

ج) اعتقاد به معاد

اعتقاد به معاد و آخرت از مبانی مشترک تمامی ادیان الهی است، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴) «این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند». همچنین آقا امیرالمؤمنین علیه السلام ۵٪ می‌فرماید: «فَإِنَّ أَلْعَايَةَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ وِرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ تَخَفُّوْا تَلَحُّوْا» (نهج البلاغه: خطبه ۲۱) «همانا آخرت پیش روی شماست، و مقدمات قیامت از پشت سر، شما را می‌راند، سبک‌بار شوید تا ملحق گردید». از آثار اعتقاد به معاد این است که انسان زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای آخرت و دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت دانسته «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» و زندگی برای او با معنی و هدف‌دار خواهد شد. رشاد (۱۳۸۸) در زمینه اعتقاد به مبدأ و معاد می‌نویسد: به‌راستی، با حذف مبدأ و معاد، چگونه می‌توان، درباره معنویت و معنا سخن گفت. بر همین اساس اندیشمندان و صاحب نظران مسلمان از جمله (سقایی بی‌ریا، ۱۳۸۷؛ محمدی، ۱۳۹۰؛ ایران‌دوست، ۱۳۹۷) اعتقاد به معاد را یکی از ویژگی‌های انسان معنوی می‌دانند.

د) اعتقاد به هدفمندی آفرینش

از دیدگاه اسلام و سایر ادیان الهی، کل جهان هستی، نظامی هدف‌دار و با معنا است، اگر هدفی معنوی و متعالی در کار نباشد، زندگی بی‌معنا و خسته‌کننده و ارزش زیستن نخواهد داشت. اعتقاد به این موضوع، به زندگی مادی و این‌جهانی رنگ الهی می‌زند. در این زمینه خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص: ۲۷) «ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن‌ها است بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)» و در آیه دیگری می‌فرماید «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» (مؤمنون: ۱۱۵) «آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریدیم». همچنین می‌فرماید: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران: ۱۹۱) «بار الهی این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای» در همین زمینه امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ أَمْرٌ عَبَثًا قَبْلَهُ وَ لَا تُرِكَ سُدَى قَبْلَهُ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۰) «ای مردم، خدا را پروا کنید، کسی بیهوده و عبث آفریده نشده که بازی کند، و رها نشده تا کار بیهوده انجام دهد». با توجه به توضیحات فوق از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (محمدی، ۱۳۹۰؛ ایراندوست، ۱۳۹۷) اعتقاد به هدفمندی آفرینش یکی دیگر از ویژگی‌های انسان معنوی است.

ه) اعتقاد به اختیار انسان

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی آزاد و مختار آفریده شده است. در همین زمینه آقا امیرالمؤمنین علی (ره) می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد قرار داده». معناداری یک عمل، به هدفی که شخص آن را آگاهانه انتخاب کرده، بستگی دارد. به این ترتیب، شخص با انتخاب هدف و مسیری برای رسیدن به آن هدف، عمل معناداری انجام داده است. فقدان هر یک از این دو عنصر موجب می‌شود عمل، به رفتاری بی‌معنا و پوچ تبدیل گردد. لازم به ذکر است، این عناصر شرط لازم برای معناداری یک عمل بوده، اما شرط کافی برای معناداری آن (یعنی معنویت) نیست، چراکه معنویت به معناداری کل زندگی و نه تنها بخشی از آن، مربوط می‌شود. با توجه به توضیحات فوق از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (محمدی، ۱۳۹۰؛ خسرو پناه، ۱۳۸۷؛ ایراندوست، ۱۳۹۷) اعتقاد به اختیار انسان را یکی از ویژگی‌های انسان معنوی می‌دانند.

و) خودشناسی (معرفه النفس)

عظمت وجودی انسان به حدی است که خداوند عالم پس از خلقت او به خودش تبریک گفته «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴) و او را شایسته جانشینی خود در زمین دانسته است. انسان از طریق خودشناسی (معرفه النفس) و درک حقیقت وجودی خود می‌تواند، به حقیقت هستی و درک حضور خداوند و معرفت توحیدی دست‌یافته و از این طریق به خودشناسی معنوی برسد. احادیث رسیده از اهل بیت (از جمله امام باقر ۰٪ می‌فرمایند «لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ» (تحف العقول، ص، ۲۸۴). همچنین آقا امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۲، ح ۲۲) تأکید زیادی به خودآگاهی (معرفه النفس) می‌نمایند. برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان از جمله (خسرو پناه، ۱۳۸۷؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) خودشناسی را یکی از ویژگی‌های انسان معنوی می‌دانند.

ز) احساس فقر

مظاهری سیف (۱۳۹۳) یکی از ویژگی‌های انسان معنوی را احساس فقر و نیاز به خداوند دانسته و به مصداق این آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵) معتقد است، که وجود و زندگی انسان و سایر موجودات، چیزی جز نیاز و فقر و ربط و تعلق به قدرت و اراده الهی نیست. در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «هرچه هست از خدای متعال است؛ از اراده ذات مقدس ربوبی است. ما عجز محض هستیم.» (مایبی وجود ندارد؛ هر چه هست اوست.) (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷ بهمن ۱۳۷۲). بر این مبنا انسان به این حقیقت پی می‌برد که همه هستی متعلق به خدا و او عبد و مملوک محض است. عبد یعنی مملوک؛ کسی که متعلق به دیگری است. عبد در معنای حقیقی، یعنی مملوک واقعی خداوند؛ کسی که هستی و حیاتش دقیقاً هستی و حیات مولا است و بدون مولا و معبودش هیچ نیست.

راز بزرگ خودشناسی در همین حقیقت آشکار می‌شود؛ یعنی فقر و نیاز انسان به خداوند. اگر این نیاز فهمیده شود، به‌طور فطری رابطه میان فقیر و غنی برقرار خواهد شد و «خود» به جلوه‌گاهی از بی‌نیازی، قدرت، علم، رحمت و نور تبدیل می‌شود و آنچه به‌صورت استعداد بود، شکوفا می‌شود. با توجه به توضیحات فوق احساس فقر و نیاز به خداوند یکی از ویژگی‌های انسان معنوی است.

ح) معرفت به احکام دین و التزام عملی به آنها

اسلام در لغت به معنای تسلیم و گردن نهادن در برابر امر مولا (خدا) و انقیاد و سرسپردگی و عدم عنایت و پذیرش و قبول نمودن احکام الهی و در اصطلاح به معنای شریعت پیامبر اسلام است (نجفی خمینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۷). در روایتی از امام صادق (ع) است که «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ ... وَ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَلَا إِسْلَامَ لَهُ» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۱۱) بدانید که اسلام همان تسلیم است ... و هر که تسلیم نشد مسلمان نیست». همچنین آقا امیرالمؤمنین علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ ... الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ» (نهج البلاغه: حکمت ۱۲۵) «اسلام همان تسلیم است ... و ادا همان عمل». مراد از روایات فوق آن است که مسلمان بودن، تنها به عقیده قلبی و ایمان باطنی نیست؛ بلکه عمل نیز جزئی از اسلام است. تا کسی دین خدا را نشناسد، چگونه می‌تواند، به آن عمل کند و تا کسی آگاهی به احکام دین نداشته باشد، چگونه می‌تواند، دین‌دار باشد؟

هدف غایی معنویت اسلامی قرب الهی است و انسان معنوی با پایبندی به واجبات و محرمات دینی، به آن دست می‌یابد، به همین جهت انسان‌های معنوی، باید به تمامی اوامر و نواهی دین آشنا و از آنها تبعیت کنند لذا اگر کسی در ظاهر دین را بپذیرد، اما از انجام تکالیف دینی دوری جوید؛ این فرد از گوهر دین‌داری که همان معنویت است، فاصله گرفته است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴۷، ص ۴۶). لذا اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف از جمله (میرزایی، دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۳) معرفت به احکام دین و التزام عملی به آنها را یکی از ویژگی‌های انسان معنوی می‌دانند.

ط) معرفت به ارزش‌های اخلاقی و پایبندی و التزام عملی به آنها

غفاری قره‌باغ (۱۳۹۶) معنویت اسلامی را از طریق التفات به یکی از ارزش‌های اخلاقی و اهتمام به مسیردهی به فعل در جهت تحقق بخشی به آن مقصود اخلاقی تعریف می‌کند. بر مبنای این تعریف، عملی، معنوی تلقی می‌شود که لایه‌های باطنی آن، از سمت وسوی اخلاقی و دینی بهره‌مند باشد. امام علی ؑ در این خصوص می‌فرماید: «انْتَفِعُوا بِبَيَانِ اللَّهِ وَ اتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ وَ اقْبَلُوا نَصِيحَةَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَعَدَّ إِلَيْكُمْ بِالْجَلْبَةِ، وَ اتَّخَذَ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ، وَ بَيَّنَّ لَكُمْ مَحَابَّةَهُ مِنَ الْأَعْمَالِ، وَ مَكَارِهِهَ مِنْهَا، لِيَتَّبِعُوا هِدْيَهُ، وَ تَجْتَنِبُوا هَذِيهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) «از بیان خدا سود

برید، و از مواعظش پند گیرید، و نصیحت خدا را بپذیرید، که خداوند با آیات و دلایل روشن خود جای عذر و بهانه برای شما باقی نگذارده، و حجت را بر شما تمام کرده. برای شما بیان نموده که چه کارهایی را دوست دارد، و از چه کارهایی بیزار است، تا آنچه را دوست دارد عمل کنید، و آنچه را نمی‌پسندد ترک گویند». از این بیان حضرت می‌توان، نتیجه گرفت که معرفت به ارزش‌های اخلاقی و پایبندی و التزام عملی به آنها، یکی از ویژگی‌های انسان معنوی است.

سؤال ۶) راهبرد دستیابی به معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

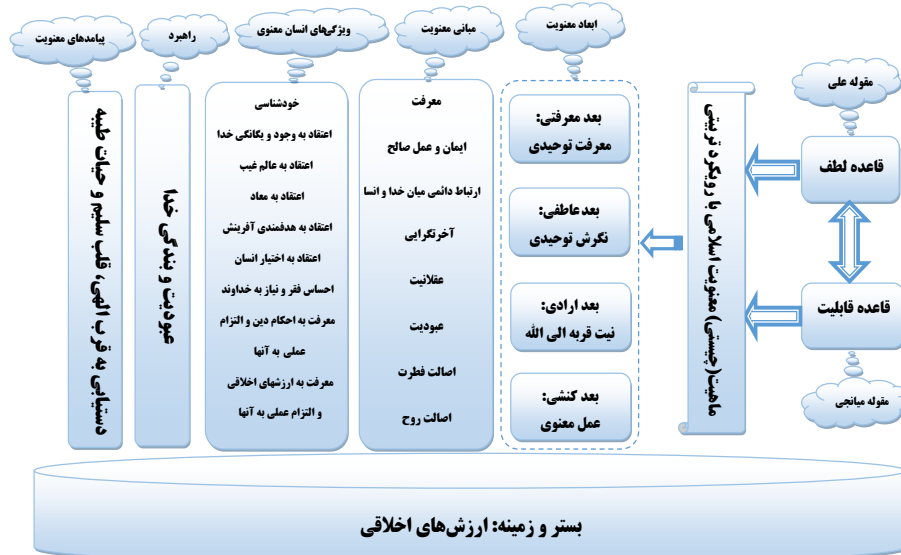
در فرهنگ قرآن، هدف اصلی خلقت «عبودیت و بندگی خداوند» بیان شده است، «عبودیت» تسلیم بی‌قید و شرط در برابر خدا و اوج تکامل روح یک انسان است. خداوند متعال در همین زمینه در قرآن کریم می‌فرماید «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) «و من جن و انس را نیافریدم، جز برای آنکه بندگی مرا به‌جای آرند». از آیه مورد بحث می‌توان، نتیجه گرفت که در معنویت اسلامی دستیابی به قرب الهی جز در سایه عبودیت حاصل نمی‌شود. همان‌گونه که قبلاً بیان شد یکی از ابعاد معنویت اسلامی، معرفت توحیدی است و لازمه کسب این معرفت عبودیت و بندگی است. در همین زمینه امام صادق (ع) به «عنوان بصری» فرمودند: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، اِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ. فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوْلَا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعِبَادَةِ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲۴) «علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می‌خواهی، ابتدا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخوایی». از این بخش از حدیث می‌توان، نتیجه گرفت که لازمه کسب علم و معرفت عبودیت و بندگی است. با توجه به توضیحات فوق، «عبودیت و بندگی خدا» تنها راهبرد رسیدن به هرگونه کمال معنوی است.

سؤال ۷) پیامدهای معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

در معنویت اسلامی هدف اصلی قرب الهی است که تحقق آن مستلزم انتخاب نوعی زندگی شایسته، بر اساس نظام معیار دینی است که «حیات طیبه» نام دارد، در این سبک زندگی است که امکان دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی و حیات طیبه فراهم می‌گردد، با توجه به توضیحات فوق، «قرب الهی» و «حیات طیبه» پیامد دستیابی به معنویت اسلامی است.

سؤال ۸) بستر و زمینه معنویت دینی از نظر اسلام کدام‌اند؟

در معنویت اسلامی، عمل معنوی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و اهتمام به مسیردهی به فعل در جهت تحقق بخشی به آن مقصود اخلاقی صورت می‌گیرد. بر مبنای این تعریف، عملی، معنوی تلقی می‌شود که لایه‌های باطنی آن اعم از اندیشه، گرایش و نیت، مقدم بر آن عمل، از سمت و سوی اخلاقی و دینی بهره‌مند باشند. بنابراین ارزشمندی اخلاقی یک فعل، عامل معنوی شدن آن است بر این اساس، معنویت یک فعل رهین مسیردهی فاعل به فعل به هنگام نیت و تصمیم است؛ اگر ارزش اخلاقی، جزء مؤلفه‌های نیت و تصمیم باشد، چنین فعلی، فعل معنوی است. با توجه به توضیحات فوق، «ارزش‌های اخلاقی» بستر و زمینه عمل معنوی محسوب می‌گردد.



شکل ۱. الگوی پارادایمی چیستی معنویت نتیجه‌گیری و پیشنهادها

معنویت گمشده بشر امروزی است، صاحب‌نظران بسیاری از جمله شهید مطهری اذعان دارند، بزرگ‌ترین بحرانی که بر جامعه بشری، مخصوصاً بر جوامع صنعتی پیشرفته حکومت می‌کند، بحران معنویت است. پوچ‌گرایی و فقدان معنویت ریشه همه آلام، رنج‌ها و سرچشمه همه کج‌روی‌های فردی و اجتماعی بشر امروزی است حل این بحران جز با بازگشت به معنویت و

تربیت معنوی میسر نخواهد بود، در همین راستا از اواخر قرن بیستم میلادی مجدداً گرایش به معنویت در بین جوامع مختلف به طور روزافزونی گسترش یافته، به گونه‌ای که از عصر امروز با نام عصر بازگشت به معنویت یاد می‌شود. این گرایش در عصری که دنیای غرب، تصمیم به تبدیل تمام ارزش‌های اخلاقی و تقلیل همه عناصر معنوی و متافیزیکی، به حقایق مادی گرفته و موجب بروز بحران‌ها و چالش‌های جدی برای زندگی بشر شده، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد لذا بشر امروز بحران بی‌توجهی به معنویت را به‌خوبی درک کرده و به نیاز واقعی خود به معنویت پی برده است.

با توجه به توضیحات فوق در این پژوهش، محقق به دنبال تبیین مفهوم معنویت و کشف جوهره اصلی آن یعنی ماهیت معنویت بوده و با رویکردی تربیتی در پی دستیابی به ویژگی‌های انسان معنوی و ابعاد معنویت دینی از نگاه اسلام است در تعریف معنویت، طیفی از دین‌باوری تا معنویت باوری فارغ از دین وجود دارد لذا رویکردهای موجود در مورد معنویت به دو دسته «معنویت دینی» و «معنویت برون‌دینی» طبقه‌بندی می‌شود، در رویکرد دینی، معنویت در محدوده دین تعریف شده و ماهیت و شکل خود را از جنبه‌های گوناگون دین اخذ می‌کند لذا در این پژوهش، سعی شد تا از طریق بررسی آیات قرآن، روایات معصومین و نظرات برجسته‌ترین اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان به این هدف دست یابیم.

از این دیدگاه انسان معنوی به کسی اطلاق می‌شود که دین‌دار بوده و دارای ویژگی‌هایی شامل احساس فقر و نیاز به خداوند، اعتقاد به وجود و یگانگی خدا، اعتقاد به عالم غیب، اعتقاد به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، اعتقاد به اختیار انسان، خودشناسی، معرفت به احکام دین و التزام عملی به آن‌ها و معرفت به ارزش‌های اخلاقی و التزام عملی به آن‌ها باشد همچنین معنویت اسلامی دارای چهار بعد شامل بعد معرفتی، عاطفی، ارادی و کنشی است.

نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که معنویت دینی کیفیت (حالتی) روحانی است که در اثر ارتباط انسان با عالم معنا و واجب‌الوجود (خدای متعال) از مسیر عبودیت و بندگی خدای متعال و بر مبنای مبانی معرفت‌شناختی و احکام اسلام همچنین ارزش‌های اخلاق اسلامی برای دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به قلب سلیم و حیات طیبه صرفاً از طریق معنویت دینی حاصل می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که کسب معنویت نیازمند دو عامل لطف و اراده خداوند و آمادگی و قابلیت فرد است از این یافته می‌توان نتیجه گرفت، لازمه کسب معنویت، آمادگی و قابلیت انسان است، که در اثر تسلیم انسان در برابر خدا و پذیرش حق، ارتباط انسان با خداوند برقرار و تحولی در انسان پدید می‌آید که او را پذیرای لطف خداوند می‌نماید.

همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان، نتیجه گرفت که برای تربیت انسان معنوی که دارای ویژگی‌های فوق باشد، برنامه‌ریزان و کارشناسان تربیتی بایستی بر مبنای مبانی معرفت شناختی و احکام اسلام همچنین ارزش‌های اخلاق اسلامی از طریق عبودیت و بندگی خدا، برای دستیابی به بالاترین سطح از قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه برنامه‌ریزی نمایند. این نوع تربیت با توجه به ابعاد معنویت اسلامی برخلاف سایر روش‌های تک بعدی، تربیتی چند بعدی است که باید چهار ساحت تربیت عرفانی، عاطفی، دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- اسلامی، احمد. (۱۳۸۱). عقلانیت و معنویت در نهج البلاغه. قم: میثم تمار.
- الهامی نیا، علی اصغر؛ حسینی، قوام‌الدین؛ رکنی‌لموکی، محمدتقی؛ زمانی محبوب، حبیب. (۱۳۹۰). معنویت اسلامی: چیستی، چرایی و چگونگی. قم: زمزم هدایت.
- اشعری، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی بر اساس آراء علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
- اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو؛ و حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی. دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۷(۱۵)، صص ۱۱۲-۸۹.
- ایراندوست، محمدحسین. (۱۳۹۷). چیستی معنویت و سیر معناپذیری آن در غرب. فصلنامه فلسفه دین، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۵۴۸-۵۲۷.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- جعفری، محمد. (۱۳۹۰). نقد معنویت مدرن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). فطرت در قرآن. قم: اسراء.
- (۱۳۹۲). امام مهدی موجود موعود. تحقیق محمدحسن مخیر. چاپ یازدهم. قم: مرکز نشر اسراء.
- حنیفه‌زاده، سارا؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ فرامرز قراملکی، احد؛ و ایمانی نائینی، محسن. (۱۳۹۷). تبیینی روش‌شناختی از فرآیند تحلیل مفهومی در فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره). دو فصلنامه فلسفه تربیت، ۳(۲)، صص ۳۲-۵.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای به آدرس Kham_ene.ir
- خامنه‌ای، علی. بیانات مقام معظم رهبری. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای به آدرس Kham_enei.ir
- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی. (۱۳۷۱). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهور به تفسیر ابوالفتح رازی). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۸۷). عوامل و موانع ترویج معنویت، حصون، شماره ۱۶، صص ۷۶-۵۹.
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۹۲). نهایت معنویت مدرنیته، پله نخست معنویت دینی است. برگرفته از خبرگزاری تسنیم

[/284727https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/27](https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/27/284727)

- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۹۳/۹/۶). معنویت سکولار نوپدید، مصیبت‌های مدرنیته را کاهش نمی‌دهد. برگرفته از خبرگزاری تسنیم <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/09/06/570092>
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۹۴). حکمت متعالیه و معنویت صدرایی. برگرفته از پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ و علوم انسانی به آدرس <http://fahangem.rooz.com/news/40324>
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دهخدا، ایرج. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، ج دوم. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه.
- ذاکری، آذر؛ رضا هویدا و محمد نجفی. (۱۳۹۰). رهبری معنوی با رویکرد اسلامی. فصلنامه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، سال دوم شماره چهارم، صص ۱۳۷-۱۶۴.
- رجبی، ابوذر. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی شاخصه‌های معنویت در عصر ظهور و عصر مدرن. فصلنامه مشرق موعود، سال ۱۱، شماره ۲.
- رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). معنا منهای معنا، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۶). نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۶۴-۴۱.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۷). تجدید دین به معنویت در جریان‌های معنوی نوپدید، کتاب نقد، شماره ۴۶، صص ۱۲۸-۱۰۷.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۸). معنویت‌گرایی در قرآن: مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی. پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۵-۳۲.
- سقای بی‌ریا، محمدناصر. (۱۳۸۷). نقش معنویت در زندگی و میدان رزم. حصون، شماره ۱۶، صص ۱۰۰-۷۷.
- شاه‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۶۰). رشحات البحار. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۷). معنویت تشیع، در معنویت تشیع و ۲۲ مقاله دیگر. قم: انتشارات تشیع.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۶). ولایت‌نامه (ترجمه همایون همتی). تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۵). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۵۴). نهایه الحکمه. قم: بی‌نا.
- عابدی جعفری، حسن؛ رستگار، عباس‌علی. (۱۳۸۶). ظهور معنویت در سازمان‌ها. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم شماره ۵.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، هوش معنوی، فصلنامه اندیشه‌های نوین دینی سال ۳، ش ۱۰، صص ۱۲۵-۱۴۷.
- غفاری قره‌باغ، احمد. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی اهداف و ویژگی‌های معنویت در اندیشه فلسفی و عرفانی متفکران مسلمان. پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۷، صص ۱۳۱-۱۵۱.

- فقیهی، سید احمد. (۱۳۸۹). طراحی الگوی دسته‌بندی روش‌های تربیت اخلاقی. معرفت اخلاقی، ۲(۱)، صص ۴۵-۶۴.
- قائم‌مقامی، محمد. (۱۳۹۴). سیری در معنویت اسلامی. تهران: دانشگاه امام حسین(ع).
- قمی، عباس. (۱۳۸۸). *مفاتیح الجنان*. قم: انتشارات آیین دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۶). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیانی، معصومه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ نوذری، محمود؛ و باقری، خسرو. (۱۳۹۴). مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان. *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص ۹۷-۱۱۸.
- کینگ، اورسولا. (۱۳۸۳). معنویت (مترجم علیرضا شجاعی). *فصلنامه هفت آسمان*، ۶(۲۳)، صص ۷۳-۹۴.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۷۹). *علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی- و مطالعات فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۹). *بحارالانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۹). مقومات معنوی سلامت در الهیات اسلامی. *فصلنامه اخلاق پزشکی ۴* (۱۴) صص ۶۳-۵۱.
- محمدی، عبدالله. (۱۳۹۰). نقد نظریه تباین دین و معنویت، *فصلنامه معرفت کلامی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۵). *میزان الحکمه*، ج ۷. قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث.
- مصباح، علی. (۱۳۸۹). واکاوای مفهومی معنویت و مسئله معنا. *فصلنامه اخلاق پزشکی*، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۳۹-۲۳.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). *آزادی معنوی*. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). *فلسفه تاریخ*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *اسلام و نیازهای زمان*. ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *انسان کامل*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات صدرا.
- مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۶/۱۰/۳). *کوتاهی بر معنویت*. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی حمیدرضا مظاهری سیف به آدرس <http://mazaheriseyf.ir/>
- مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۳). معنویت رهایی‌بخش: پژوهشی در باب معنویت با تکیه بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری. قم: صهای یقین

معین، محمد. (۱۳۹۹). فرهنگ فارسی معین. برگرفته از پایگاه <https://www.vajehyab.com/> در تاریخ ۹۹/۱/۱۰

مکارم، شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، ج ۱. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ۰٪.
ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۸). دین و معنویت و روشنفکری. تهران: پایان.
ملکیان، مصطفی. (۱۳۷۹). معنویت و محبت چکیده همه ادیان. آفتاب یزد، ص ۷.
موسوی نسب، محمدرضا. (۱۳۹۳). اهداف، اصول و روش های تربیت عرفانی. اسلام و پژوهش های تربیتی، ۶(۲)، ص ۱۹-۳۶.

میرزایی، رضا؛ سمیه دلیر صف آرای اخگر. (۱۳۹۷). بحران معنویت در جهان معاصر. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و دوم، شماره اول.

ناصری، علی رضا. (۱۳۸۷). بحران معنویت در عصر حاضر. قم: جامعه المصطفی العالمیه.

نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۶۲). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامی.

نصر، حسین. (۱۳۸۰). معرفت و معنویت. تهران: سهروردی.

نعمتی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نقش معنویت دینی و معنویت مدرن در معنا بخشی زندگی انسان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین، دانشکده معارف، کلام و فلسفه اسلامی. دانشگاه باقرالعلوم (ع).

Cousins, Ewert. (1986). World Spirituality: An Encyclopedic History of the Religious Quest. New York: Routledge & Kegan Paul.

Cavanagh, G. (1999). Spirituality for managers: Context and Critique. Journal of Organization Change Management, Vol. 12, No.3. Pp.186-199.

Donahue, M. J. (1998). There is no true spirituality apart from religion. Paper presented at the annual convention of the American Psychological Association, Chicago.

Erickson HL. (2007). Philosophy and theory of holism. Nursing Clinics of North America;42(2):139-163

Fisher, J.W. (2011). The Four Domains Model: Connecting spirituality, health and well-being. Religions, 2. pp 17-28.

Flanagan, Kieran, and Jupp, Peter, C. (2007). A SOCIOLOGY OF SPIRITUALITY. Hampshire, Ashgate Publishing.

Jones, L. G. (1997). A thirst for god or consumer spirituality? Cultivating disciplined practices of being engaged by god. Modern Theology, 13(1), PP 3-28.

Kale, Sudhir H. (2004) Spirituality, Religion, and Globalization, Journal of Micromarketing, 24(2), pp 92-107.

Mc Knight, R. (1984). Spirituality in the Workplace, in Adams, J. D. (ed.), Transforming Work, Alexandria, VA: Milles River Press.

Mitroff, Ian 1, Denton, Elizabeth A. (1999). A Study of Spirituality in the Workplace. MIT Sloan Management Review, summer. Pp83-92.

Moore, Thomas. (2014). A Religion of One's Own: A Guide to Creating a Personal Spirituality in a Secular World. Publisher: Gotham.

Mills, Jon. (2016). Inventing God: Psychology of Belief and the Rise of Secular Spirituality. : Routledge

- Mund, Jon. (2018). *Course in Mysticism and Miracles: Begin Your Spiritual Adventure*. Weiser Books.
- Oxford University. (2021). *Oxford Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Pesut, Barbara. (2009). A conversation on diverse perspectives of spirituality in nursing literature. *Nurse Philos*; 9(2), PP98-109.
- Peltonen, Tuomo. (۲۰۱۷). *Spirituality and Religion in Organizing: Beyond Secular Leadership*. : Palgrave Macmillan.
- Sample, Tex. (2008). *Earthy Mysticism: Spirituality for Unspiritual People*. Nashville: Abingdone
- Sharp, Lynn L.(2006).*Secular Spirituality: Reincarnation and Spiritism in Nineteenth-Century France*, [2 ed.]. : Lexington Books.
- Shaw, Stephen. (2011). *I Am: A Journey to Spiritual Enlightenment*. Stephen Shaw.
- Sheldrake, Philip. (1992). *Spirituality and History: Questions of Interpretation and Method*, New York, Crossroad.
- Waaijman, Kees (2002). *Spirituality: Forms, Foundations, Methods*. Paris: Peeters Publishers.
- Wallach, Harald. (2015). *Secular Spirituality*. New York: Springer.
- Wayne Teasdale. (2001). *The Mystic Heart: Discovering a Universal Spirituality in the World's Religions*. New World Library.



طبيعة الروحانية الإسلامية بمنهج تربوي

غلامحسين الرضايت^١ | أحمد الغلامعلي^٢ | فاطمة الرضايت^٣

الملخص

الغرض من هذه الدراسة هو شرح طبيعة الروحانيات من منظور الإسلام، لذلك فإن الدراسة الحالية هي بحث تنموي من حيث الهدف وبحث نوعي من حيث نظرية المعرفة، والذي تم باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. طريقة تحليل البيانات في هذا البحث هي التحليل المفاهيمي التدريجي. لهذا الغرض، أولاً، مفهوم الروحانية، ثم تم دراسة المناهج (التيارات الفكرية) المتعلقة بالروحانية بشكل تحليلي لتقييم هذه الأساليب لاستنتاج مفهوم الروحانية واكتشاف جوهرها، أي طبيعة الروحانية، وخصائصها. الرجل الروحي وأبعاد الروحانية الدين من وجهة النظر الإسلامية، نحصل على فهم شامل نسبياً للروحانية. أظهرت نتائج ونتائج هذه الدراسة أن الروحانية الدينية هي صفة روحية (حالة) يتشكل بسبب علاقة الإنسان بعالم المعنى وواجب الوجود (الله سبحانه وتعالى) من خلال العبادة والعبودية لله سبحانه وتعالى، وقائمة على المبادئ والقواعد المعرفية للإنسان وقائمة على احكام الإسلام وكذلك القيم الأخلاقية الإسلامية لتحقيق أعلى مستوى القرب من الله، والقلب السليم، والحياة الطيبة. من وجهة النظر هذه، يتمتع الإنسان الروحي بخصائص تشمل الشعور بالفقر والحاجة إلى الله، والاعتقاد بوجود الله ووحدانيته، والاعتقاد بالعالم الغيبية، والاعتقاد بالقيامة، والإعتقاد بهادفية الخلق، والاعتقاد بالإختيار البشرية، معرفة النفس، ومعرفة احكام الدين، والالتزام العملي بها، ومعرفة القيم الأخلاقية، والالتزام العملي بها، كما أن للروحانية الإسلامية أربعة أبعاد تشمل الأبعاد المعرفية والعاطفية والارادية والفعالية.

الكلمات الرئيسية: الطبيعة، الروحانية، الإسلام، منهج تربوي.

٥٤

المجلد ٣٠
ربيع ١٤٤٣

ورقة البحث

الواردة:
٢٨ شعبان ١٤٤٢
المقبولة:
١٠ ربيع الثاني ١٤٤٣
صن: ٢٣٩-٢٧٨

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.10.5

١. الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك، قسم التعليم و التربية الإسلامية، جامعة الشاملة الإمام الحسين عليه السلام، طهران، إيران
Gh_rezayat@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد، جامعة القرآن و الحديث، قم

٣. طالبة دكتوراه في نهج البلاغة، جامعة القرآن والحديث، القم.